

سفر نامه

روزهای کرونایی و مرور خاطرات  
کرس ضد عفونی نشده



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

از صبح نشسته‌ام که برایتان از سفر بنویسم. سفرنامه‌ای شاید... اما نمی دانم از کجا باید شروع کنم. از آن پر تشویش که گرانی بنزین مسافرت‌ها را کم و جمع کنی از مسافران قشر متوسط را خانه‌نشین کرد، یا از هواپیمایی که هم خودش و هم صنعت سفر با آن سقوط کرد و اینک ویروسی که گریبان این صنعت را گرفته و هر روز نفسش را تنگ تر و تنگ تر می کند. در واقع این روزها صنعت گردشگری به ویروس کرونا مبتلا شده است و تمامی سفرها در قرنطینه خانگی به سر می‌رسد و من نیز از همان قشری هستم که سر تاسر هفته‌ها راه امید آخر هفته زنده بودم و حالا دلم برای یک سفر نیمه روزه لک زده است. به سراغ کامپیوتر می‌روم و پوشه عکس‌ها را باز می‌کنم. یک به یک با اشتیاق می‌بینم و لبخند می‌زنم. به عکس‌های قله کرکس می‌رسم. سفری که باعث شد دوستانی پیدا کنم از جنس آفتاب. داستان از آنجا شروع شد که ۱۰ سال پیش هفته اول اسفند بود که ما دو نفر دیگر از دوستانمان تصمیم گرفتیم برای صعود قله کرکس به سمت نظنن برویم. از شهر نظنن گذشتیم و ماشین را در پارکینگ مسپیر پناهگاه کرکس پارک کردیم و به سمت مسپیر پناهگاه به راه افتادیم. نزدیک غروب به پناهگاه رسیدیم. کفش‌های جلوی در پناهگاه حاکی از آن بود که گروه دیگری نیز در پناهگاه مشغول استراحت هستند. وارد شدیم و کوله‌ها را در گوشه‌های گذاشتیم و مشغول استراحت شدیم.



آن گروه دیگر که در دست در نقطه مقابل ما در پناهگاه خوابیده بودند کم‌کم بیدار شدند و صدای غذا خوردنشان در فضای ساکت پناهگاه پیچید. خیره به سقف نگاه می‌کردم و با خود کلنجار می‌رفتم که بخوابم، اما بسوی کتلت بدجوری زیر دماغم می‌پیچید. بی درنگ از کیسه خواب بیرون آمدم و رفتم سر سفره‌شان نشستم و گفتم: «من از این کتلت‌ها می‌خوام، پوش خیلی خوشمزه است.» با خنده‌ای بلند و با همان یک جمله باب رفاقت‌مان باز شد. مانیز با غذاهایمان آمدیم و سفره بزرگتر شد و همه با هم به خوردن شام مشغول شدیم. بعد از شام کمی گپ زدیم و بازی کردیم و شش بخیر گفتیم. صبح زود هر دو گروه عازم صعود شدیم اما از دو مسیر متفاوت. بعد از صعود به پناهگاه باز گشتیم و اتفاقاً این بار پناهگاه بسیار شلوغ بود و پر بود از کوهنوردان اصفهانی که با آن لهجه شیرین‌شان به ما خسته‌نشدیم می‌گفتند و ما را به صبحانه دعوت می‌کردند. یکی از دوستان اصفهانی مشغول درست کردن نیمرو بود و دنبال نمک و فلفل می‌گشت و من نمک پاش را به سمتش بردم. همزمان با بالا آوردن دستش برای گرفتن نمکدان دسته‌ماهی تابه به آستینش گیر کرد و ماهی تابه روی موقت کف پناهگاه پخش زمین شد و دوستانم بی هیچ نگرانی ماهی تابه را برداشتند. تخم مرغ‌های روی زمین را دور ریخت و تخم مرغ تازه‌ای در همان ماهی تابه شکاند و همگی بدون دل نگرانی و دغدغه‌ای نمک زدیم و نیمرومان را خوردیم. با چنین شرایط پیش آمده که فکر ذهن لحظه‌به‌لحظه‌مان ششوشده است. دلم برای آن روزهای ضد عفونی نشده تنگ شد. نمی‌دانم آن روزهایی مه‌آلود بودیم یا آلا و سواس گرفته‌ایم. هر چه هست این کرونایی لعنتی بدجور زمین گیرمان کرده است. آن صعود کرکس را دوست دارم، چرا که بعدها دو نفر از منوردان آن گروه دیگر ازدواج کردند و الان فرزندانمان هم‌بازی‌های خوبی برای هم شده‌اند، و دیگر اینکه چند سال بعد صورت اتفاقی در یک سفر رفتینگ (قایق سواری در رودهای خروشان) همان دوست آشنایم همان را دیدیم که حالا بری قایق سواری شده است. زمین عجیب گرد است. کاش این روزها تمام شوند...

کرونا حداقل تا پایان  
اردیبهشت مهمان  
کشورمان است و  
گردشگری ایران در  
این ماه‌ها نه تنها شاهد  
سفرهای داخلی و باورود  
توربست نخواهد بود، بلکه  
شاهد برگزاری تورهای  
خارجی هم نخواهد بود  
و این به معنی بیکاری و  
ضرر هنگفت این صنعت و  
فعالان آن از همه جنبه‌ها  
است

مخاط انسان به هنگام سرفه و عطسه به صورت مستقیم یا به صورت غیر مستقیم از طریق نشستن بر روی سطوح مختلف منتقل می‌شود. به همین سبب و طبق پروتکل جهانی از همان روزهای ابتدای و با درخواست و نگرانی شدید مردم، مدارس و دانشگاه‌ها روی به تعطیلی آوردند. گرچه قرنطینه شهر مانند ووهان در چین می‌توانست از انتشار این ویروس در سایر استان‌های کشور جلوگیری به عمل آورد اما به صورت دستور و حکمی همگانی در کشور اجرائند و تنها از مردم خواسته شد تا برای حفظ سلامتی خود و خانواده‌هایشان در قرنطینه خانگی روی آورند.

در این بین اعلام شد تا تمامی هتل‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و همچنین آژانس‌های مسافرتی در کنسل شدن بدون زیان سفرها همکاری کنند. بسیاری از مردم فهیم ایران تمامی موارد و نکات بهداشتی اعلام شده را رعایت کردند و می‌کنند اما عده‌ای هم بودند و هستند که راه دیگری را پیش گرفتند. راه خودخواهی! همانند همان کاریکاتور معروفی که چند مرد در قایقی چوبی هستند و هر که طرف خودشان را تخریب می‌کنند و نمی‌دانند که این قایق همگیت که دارد غرق می‌شود. با همین طرز فکر ماشین‌هایشان را با بنزین لتری سه هزار تومانی پر کردند و به سمت گیلان و همچنین شهرهای جنوبی چون قشم به امید فرار از کرونای راهی شدند. این قرنطینه نبودن شهرها افزایش بیست درصدی جا به جایی و سفرها سبب شد تا نه تنها ویروس به استان‌های دیگر انتقال یابد و افزایش پیدا کند بلکه سبب شد بیمارستان‌ها که برای مردمان بومی خود نیز ظرفیت کافی نداشته‌اند و از شرایط و امکانات مطلوب و مناسب برخوردار نیستند با افزایش بیماران که همین کشورها هم هستند مواجه شوند.

سخن پایانی

هر صنعتی تنها به یکس از اتفاقات شوکه کننده سال جاری لازم دارد تا کامر خم کند و تا سال‌ها توان ایستایی نداشته باشد. صنعت گردشگری ایران اگر تا به امروز زنده مانده به خاطر عشق و تلاش روز افزون فعالان آن بوده که این صنعت را هر چند نیمه‌جان اما زنده حفظ کردند. اکنون پس از همه‌ی این وقایع ناگوار و شوک‌های بسیار، کرونا حکم تیر خلاصی را برای گردشگری دارد که اگر به فکر یاری‌رسانی به آن و فعالان آن که ضررهای جبران‌ناپذیری را متحمل شده‌اند نباشیم، بی‌شک شاهد نابودی کامل این صنعت که می‌تواند بسیار سودآور برای چرخه اقتصاد کشور باشد و اشتغال میلیون‌ها نفر به آن بستگی دارد را از دست خواهیم داد.

صنعت هتلداری در تاریخ ۲۳ تا ۲۶ بهمن ماه بودیم و شاید منطقی‌تر بود که خبر شیوع ویروس کرونا زودتر به دست مردم برسد و از برگزاری این نمایشگاه گرچه که ضرر و زیان‌های خاص خود را داشت همانند گردهمایی راهنمایان گردشگری امتناع به عمل می‌آمد. نمایشگاهی که به مدت چهار روز میزبان هزاران نفر از مردمان نازنین هر گوشه‌ای از این خاک و بوم بود. از همین پایتخت دود و گوگرد گرفته تا روستاهایی دور افتاده در خراسان و هرمزگان و سیستان و کردستان و همه و همه. از پیر و جوان تا خردسالان و نوجوانان.

ما این روزها شاهد کنسل شدن نمایشگاه گردشگری برلین ITB که یکی از بزرگترین نمایشگاه‌های گردشگری و یکی از مهم‌ترین نمایشگاه‌های تجاری دنیا محسوب می‌شود به دلیل اجتناب از شیوع ویروس کرونا هستیم...

قرنطینه‌ای به وسعت ایران

از ساعات اولیه‌ای که خبر حضور ویروس کرونا در ایران اعلام شد کشورهای بسیاری شرایط ترد و دوام را در ایران را اطلاع‌ناثوی تغییر دادند. در روزهای نخست کشورهای ترکیه و آذربایجان اعلام کردند که ورود به خاک آن‌ها تنها با داشتن برگه سلامت و عدم سفر در پانزده روز گذشته به شهر قم امکان پذیر است.

بیت از جمله اولین کشورهای بود که در همان ابتدای این هایش را از پرواز به ایران منع کرد. پس از گذشت چند روز و شدت گرفتن آمار مبتلایان به ویروس کووید ۱۹ در ایران و قرنطینه نکردن شهر قم، به تعداد کشورهای که روابطشان را با ایران قطع یا محدود کردند نیز اضافه شد. کشورهای اردن، عراق، امرستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و گرجستان از جمله کشورهایی بودند که در چند روز ابتدایی به این لیست ملحق شدند و مرزهایشان را به روی مسافران ایرانی اطلاع‌ناثوی بستند.

ترکیه و آذربایجان نیز هم که ورود مسافران ایرانی را مشروط به داشتن برگه سلامت خوانده بود، مرزهایشان را به‌طور کامل بستند و دیگر حتی با داشتن برگه سلامت هم امکان سفر به این کشورها وجود ندارد. و این در حالیست که می‌دانیم کووید ۱۹ حداقل تا پایان اردیبهشت مهمان کشورمان است و گردشگری ایران در این ماه‌ها نه تنها شاهد سفرهای داخلی و باورود توربست نخواهد بود بلکه شاهد برگزاری تورهای خارجی که عمدتاً به همین کشورها همسایه من جمله آذربایجان و ترکیه در شب‌های عید هستند هم نخواهد بود و این به معنی بیکاری و ضرر هنگفت این صنعت و فعالان آن از همه جنبه‌ها است.

قرنطینه یا سفر؟ مسئله این است! همه‌ی می‌دانیم که ویروس کرونا ماهیتی بسیار قابل انتشار دارد و از طریق نزدیک به صد در صد تورهای خارجی که قرار بوده به ایران بیایند تا انتهای اردیبهشت ماه لغو شدند و این اتفاق سبب خالی ماندن هتل‌ها و اقامتگاه‌ها و بیکاری صد در صد راهنمایان گردشگری تورهای خارجی شد.



ویروس کرونا در شرایطی  
به کشور وارد شد که  
اقتصاد ایران از هر زمان  
دیگری بیمار و ناتوان تر  
است و صنعت گردشگری  
هم از این قاعده مستثنی  
نیست. در واقع کرونا برای  
صنعت گردشگری ایران  
که سال بسیار سخت و  
طاقت فرسایی را سپری  
کرده بود؛ حکم تیر خلاص  
را داشت

خبر حضور این ویروس شوم و آواخر ماه بهمن بود که به مردم داده شد و از همان لحظات اولیه تا به امروز شاهد پیامدها و اتفاقات ثانویه بیشمار در صنعت گردشگری کشور هستیم. پس از اعلام حضور این ویروس در ایران اولین و مهم‌ترین اتفاقی که رقم خورد ملغی شدن سیزدهمین گردهمایی کشوری راهنمایان گردشگری ایران بود که سیزده سال متمادی است راهنمایان گردشگری از سراسر کشور هر ساله مصادف با روز جهانی راهنمایان گردشگری در یکی از استان‌های کشور با تمام مشکلات و سختی‌هایی که داشته‌اند گرد هم می‌آیند و ضمن دیدار و تبادل اطلاعات با یکدیگر به شناسایی و معرفی بهتر استانی که میزبان رایر عهده‌دار به‌شدت و توسعه آن به عنوان مقصد گردشگری پر بازدید و شناخته شده می‌پردازند. کنسلی سیزدهمین گردهمایی راهنمایان گردشگری در صورتی رقم خورد که تنها چند روز قبل از آن ما شاهد برگزاری سیزدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری، سی و سومین نمایشگاه ملی صنایع دستی، و سومین نمایشگاه بین‌المللی خدمات و تجهیزات

از طرف تورهای خارجی بیمار و ناتوان بود و خود را با تورهای داخلی زنده نگه داشته بود با گرانی بنزین شوک دیگری به آن وارد شد و این گرانی خبر از کم شدن تورهای داخلی نیز می‌داد. به اواخر آبان و اوایل آذر رسیدیم که اینترنت جهانی در ایران به مدت دو هفته قطع شد. این اتفاق در حالی رقم خورد که امروزه صنعت گردشگری نیز مانند هر چیز دیگری به اینترنت وابستگی بسیاری دارد. در چند روز اول حتی آژانس‌های خدمات مسافرتی نیز به سایت‌های رزرو و فروش بلیط‌های حمل و نقل دسترسی نداشتند و پس از چند روز و ایجاد دسترسی مردم و شرکت‌ها به سایت‌های داخلی با اینترنت ملی هم نتوانست کمک چندانی به بهبود اوضاع و شرایط بکند. مردم ترجیح می‌دادند به خاطر شلوغی هوا اعتراضات شکل گرفته و همچنین نداشتن دسترسی کامل به اینترنت در خانه‌هایشان بمانند و از هر گونه سفر غیر ضروری پرهیز کنند. در چنین اوضاعی بسیاری از توریست‌های خارجی که قصد سفر به ایران را داشتند هم تورهایشان را کنسل کردند و آن‌هایی هم که داخل ایران بودند با مشکلات فراوانی از جمله عدم تماس و دسترسی با خانواده‌هایشان، عدم دسترسی به نقشه‌های آنلاین و سایت‌های خدمات سفر رو به رو شدند و سبب سردرگمی بسیاری از توریست‌ها شد.

چیزی از قطعی اینترنت نگذشته بود و فعالان گردشگری هنوز با ضربه‌های مهلکی که بهشان وارد آمده بود کنار نیامده بودند که سقوط هواپیمایی اوکراینی رقم خورد و سبب شد بسیاری از مردم، سفرهای هوایی خود لغو کنند و بسیاری از کشورها و ایرلاین‌های پروازی اعلام کنند که تا اطلاع‌ناثوی نه تنها مسیر پروازی ایران به صورت ترانزیت هم عبور نخواهند کرد. نزدیک به صد در صد تورهای خارجی که قرار بوده به ایران بیایند تا انتهای اردیبهشت ماه لغو شدند و این اتفاق سبب خالی ماندن هتل‌ها و اقامتگاه‌ها و بیکاری صد در صد راهنمایان گردشگری تورهای خارجی شد.

از بدین شوک زده و نیمه‌جان گردشگری تنها یک امید مانده بود و آن هم سفرهای داخلی و خارجی مردم کشورمان به مناسبت نوروز بود که همین امید هم با ویروس کرونا به ناامیدی کشانده و ضربه آخر هم زده شد.

اصلی‌ترین و مهم‌ترین دلایل ورود این ویروس به ایران هستند. ویروس کرونا در شرایطی به کشور وارد شد و هم‌وطنان بی‌شماری را مبتلا کرد که اقتصاد ایران از هر وقت دیگری بیمار و ناتوان تر است و صنعت گردشگری از این قاعده مستثنی نیست و در واقع کرونا برای صنعت گردشگری ایران که سال بسیار سخت و طاقت‌فرسایی را سپری کرده بود حکم تیر خلاص را داشت.

سال‌ها که نکوست  
از بهار نش پیداست!

ابتدای سال بود و مردم طبق روال هر ساله وسنت‌هایشان در گیر و دار سفرهای نوروزی بودند که اتفاق تلخ و فاجعه‌بار سیل در بسیاری از نقاط کشور رقم خورد و سبب شد بسیاری از تورهای نوروزی و سفرهای شخصی، بلیط‌های اتوبوس و هواپیمای، رزرو هتل‌ها و اقامتگاه‌ها لغو شوند و ضرر مالی و روانی زیادی بر فعالان گردشگری که چشم‌امیدشان به درآمد عید نوروز بود تحمیل شد و این آغاز ضربه‌های بی‌شماری بود که در سال جاری بر بدنه صنعت گردشگری ایران وارد کرده است.

تنها چندماه از سیل‌های نوروزی نگذشته بود که نوسانات ارز شدت گرفت و مسافران ایرانی تورهای خارجی که باید عوارض سفر را نیز تحمل و پرداخت کنند با افزایش شدید قیمت این تورها هم رو به رو شدند و تقاضا بسیار کاهش یافت و در نتیجه این نوسانات، آژانس‌های خدمات مسافرتی بی‌شماری را به مرز ورشکستگی و حتی ورشکستگی مطلق کشاند.

مدتی از نوسانات ارز گذشته بود که کاهش توان اقتصادی جامعه، مردم را به سمت و سوی تورهای داخلی و سفرهای ایرانگردی بیش تر از پیش سوق داد و این اتفاق سبب شد تا آژانس‌های مسافرتی‌ای که در حوزه تورهای داخلی فعالیت می‌کنند و همچنین هتل‌ها و اقامتگاه‌های کشور بعد از ضرر و زیان‌های بی‌شماری در اوایل سال، نفسی بکشند تا این که فصل پاییز از راه رسد و مارا تن اتفاق‌های سهمگین سال جاری مجدداً شدت گرفت.

اواسط آبان بود که پس از هفته‌ها تک‌ذیب هر گونه تصمیمی برای گرانی بنزین، مردم شب‌به‌خواب رفتند و صبح با خبر گرانی بنزین و قیمت سه هزار تومانی آن برای هر لیتر مواجه شدند. گردشگری ایران که به خاطر نوسانات از

تنها چند ماه قبل بود که خبری مبنی بر شروع و شیوع ویروس هونلناک به نام کرونا از چین در سراسر جهان پخش شد و شایعات و ماجراهای زیادی در طی این مدت در بین شبکه‌های اجتماعی مختلف توسط مردم در سراسر جهان رقم خورد.

این ویروس از شهر ووهان در چین آغاز شد، اما این روزها شاهد انتشار و پیدایی هر چه بیشتر آن در کشورهای سراسر جهان از جمله ایران هستیم و سبب اتفاقات جانی بسیاری شده است. این بیماری علاوه بر مرگ و میر و ابتلای هزاران نفر در سراسر جهان، و ایجاد ترس و اضطراب در دل مردم جوامع مختلف، ضرر و زیان‌های بسیار هنگفت و جبران‌ناپذیر به بازار و صنایع، از جمله صنعت گردشگری وارد کرده است.

آغاز ماجرا

این ویروس همانند روح سرگردانیست که در کوچه و خیابان‌های شهرها و کشورهای مختلف شروع به چرخیدن کرده است و سایه‌ی منحوسش به هر کجا که می‌رسد آنجا راه تعطیلی می‌کشد. قرنطینه و تعطیلی اولیه ابتداء در شهر ووهان چین آغاز شده بود و علاوه بر تعطیلی فرودگاه و ایستگاه‌های قطار و شبک‌های اتوبوس رانی، مترو، قایق‌ها و سایر وسایل نقلیه، به مردم نیز اجازه و حق امور و مرور غیر ضروری داده نمی‌شد و هنوز هم داده نمی‌شود. این اقدامات همگی برای مهار و کنترل این بیماری و عدم انتشار آن به سایر مردم جهان بود که اگر چه بسیار موثر بود اما متأسفانه نتوانست به‌طور کامل از انتشار و شیوع آن در کشورهای دیگر جلوگیری به عمل آورد و مرادوات تجاری و برقراری سفرها با چنین سبب‌شد پای این بیماری به ایران و سایر کشورها هم برسد.

سوغات فرنگ

متأسفانه در لیست کشورهایی که روابط و مرادواتشان را با چین محدود کرده بودند ایران به چشم نمی‌خورد و پروازهایی که بین ایران و چین و بالعکس تردد می‌کردند به گمان اکثریت، از



بنگاه دهنار، راهنمای گردشگری

تنها چند ماه قبل بود که خبری مبنی بر شروع و شیوع ویروس هونلناک به نام کرونا از چین در سراسر جهان پخش شد و شایعات و ماجراهای زیادی در طی این مدت در بین شبکه‌های اجتماعی مختلف توسط مردم در سراسر جهان رقم خورد.

این ویروس از شهر ووهان در چین آغاز شد، اما این روزها شاهد انتشار و پیدایی هر چه بیشتر آن در کشورهای سراسر جهان از جمله ایران هستیم و سبب اتفاقات جانی بسیاری شده است. این بیماری علاوه بر مرگ و میر و ابتلای هزاران نفر در سراسر جهان، و ایجاد ترس و اضطراب در دل مردم جوامع مختلف، ضرر و زیان‌های بسیار هنگفت و جبران‌ناپذیر به بازار و صنایع، از جمله صنعت گردشگری وارد کرده است.